

نقد دکتړ محمد مهدي فولادوند

در مورد

طول عمر حضرت نوح و امام عصر عليه السلام



سخنران

دکتړ وحید باقرپور کاشانی

در زمان حضرت نوح علیه السلام، با توجه به علم الان که نگاه می‌کنی می‌بینی که ظرفیت وجودی انسان این‌گونه نیست که حالا بتواند پانصد سال عمر کند!

اما آن موقع به اقتضای اینکه موقعیت جهانی متغیر بوده با الان، انسان هم متغیر بوده، ظرفیت وجودی آن زمان با الان متفاوت هست و انسان کنونی را با انسان چند هزار سال پیش نمی‌توانی مقایسه کنی! هم‌چنان که بسیاری از ویژگی‌های آن را نمی‌توانی با انسان‌های چند هزار سال پیش مقایسه کنی، عمر آن هم نمی‌توانی مقایسه بکنی! و شما دانشمندان که این را انکار می‌کنید، به حسب استقراء و فهمی هست که نسبت به انسان کنونی و جهان کنونی داشتید!

«پس اگر روند جهان مادی به‌طور کلی تغییری کند مثل اینکه زمان به‌عنوان بُعد چهارم جهان کشیده یا کوتاه شود، یا به بیان ساده‌تر، کند یا تند شود...»

ما داریم که مثلاً می‌گویند در زمان حضرت ولی عصر علیه السلام، فرض کنید هر یک سال که آن موقع هست، ده سال الان هست! ده برابر آن هست!

می‌گویند چطور؟ حرکت زمین به حول خورشید کند می‌شود! وقتی که در تکوین تغییر پیدا بکند، زمان هم چنین چیزی هست. هم‌چنان که می‌بینیم مثلاً سال در کره‌ی زمین چی هست؟

سال، ۳۶۵ روز هست؛ یعنی این کره باید ۳۶۵ بار به دور خودش بچرخد و در این حرکت انتقالی که حرکت وضعی هم توأمان با او هست، ۳۶۵ روز طول می‌کشد؛ این می‌شود یک سال. حالا آیا یک سال در سیاره‌ی عطارد، ۳۶۵ روز هست؟ نه کمتر است!  
در سیاره‌ی مریخ ۳۶۵ روز هست؟ نه!  
در سیاره‌ی مشتری آیا ۳۶۵ روز هست؟ خیلی زیاد هست! خیلی متغیر هست!  
چرا؟ چون موضوعش متفاوت هست!  
موضوع، «کره و خورشید» هست، آن‌جا «زحل و خورشید» هست! زمان هم متفاوت در نظر گرفته می‌شود.  
می‌توان گفت که در زمان حضرت نوح علیه‌السلام هم چه‌بسا چنین تغییراتی در عالم صورت گرفته باشد.  
«یا به بیان ساده‌تر، کند یا تند شود (یعنی زمان). ما که در درون این جهان زندگی می‌کنیم، نمی‌توانیم این تغییر را بسنجیم یا بشناسیم، اما ناظری که از بیرون منظومه‌ی جهانی که در آن زندگی می‌کند می‌تواند اوضاع جهان را کنترل کند، به ما ارقامی خواهد داد که به اندازه‌گیری‌های ما بسیار متفاوت است.»  
ارقامی را خدا داده است!



{وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا}.

این ارقام را چه کسی داده؟ خدا داده ۹۵۰ سال! می‌گویید خداوند آن حقیقتی که عالم، قائم به اوست و آن حقیقتی که خارج هست به تعبیری، سنخ این جهان نیست، او آمده این ارقام را داده با توجه به چه چیزی؟

با توجه به تغییراتی که آن زمان با الان صورت گرفته! یعنی تغییراتی که الان متفاوت هست با آن زمان.

شما هم این جهان را مقایسه می‌کنی، امکانات این جهان را، ظرفیت وجودی همین انسان را مقایسه می‌کنی، می‌گویی چطور می‌شود یک نفر مثلاً ۲۳۰۰ سال بتواند عمر کند؟!

اما خدا که این را داده با توجه به این تغییراتی که صورت گرفته که حتی قوم نوح هم نفهمیدند، بعد از هم نفهمیدند، الان هم متوجه نیستند! درواقع به تعبیری یعنی شما جلوی پایت را می‌بینی که می‌آیی نسبت به چند هزار سال قبل اظهار نظر می‌کنی! بله! اگر نسبت به این انسان کنونی باشد، این غیر ممکن هست، اما اگه با توجه به انسان آن موقع و شرایط آن موقع بخواهیم درنظر بگیریم، نه! اتفاقاً هیچ اشکال عقلی هم ندارد.

«این موضوع به اختصار برای ما روشن می‌کند که ناظر خارجی، مثلاً خدای سبحان یا ملائکه، هنگامی که درباره‌ی عمر نوح علیه السلام قومش از آن‌ها سؤال کنید یا خودشان سخن بگویند، به شما عددی می‌دهند که از آنچه که شما در داخل این منظومه‌ی آفرینش اندازه‌گیری کردید بسیار متفاوت است، و هنگامی که از او بخواهید عمر انسان امروزی را با عمر انسان پانزده هزار سال قبل مقایسه کند، به شما اعداد مختلفی خواهد داد، با اینکه شما هیچ اختلاف ملموسی را در اندازه‌های مادی و حدودش که در آن زندگی می‌کنید نمی‌یابید.»

این اعداد و ارقام در قرآن مطرح شده، در روایات هم آوردند، حتی این در تورات هم آمده است.

در تورات سن انبیاء را آوردند، مثلاً سن حضرت آدم در تورات ۹۳۰ سال آوردند؛ شیث پیغمبر ۹۱۲ سال آوردند؛ سام ۵۰۰ سال آوردند؛ ابراهیم ۱۷۵ سال آوردند؛ اسماعیل ۱۳۷ سال آوردند؛ این‌ها در تورات هست و این‌ها گزارش داده شده.

بعد متأسفانه بعضی‌ها نتوانستند این مسأله را برای خودشان حل بکنند و همه چیز را از نگاه عادی خواستند در نظر بگیرند!

مثلاً جناب آقای فولادوند ایشان در روزنامه‌ی صبح امروز، یک مصاحبه‌ای دارند، چه می‌فرمایند؟! می‌فرماید که:

«عمر نوح پیامبر ۶۰ الی ۷۰ سال بوده و ۹۵۰ سال عمر خاندان نوح بوده است نه شخص نوح!»

یعنی عمر پدر و پدربزرگش و خاندان نوح ۹۵۰ سال بوده! بعد می‌فرمایند واقعاً بعید هست یک شخص ۹۵۰ سال عمر کند! یعنی صراحتاً ایشان با توجه به اینکه آیه‌ی قرآن هست، جناب آقای محمد مهدی فولادوند چنین حرف عجیبی را می‌زنند!

در صورتی که اگر نگاه اعجاز هم داشته باشیم، این قابل حل هست! وقتی نص هست، این قدر شفاف و واضح، بحث مبعوث شدن حضرت نوح علیه السلام را ۹۵۰ سال مطرح می‌کند، که عرض کردم عمرشان ۲۳۰۰ سال در روایات آورده، این جا دیگر لزومی نمی‌بینیم که چنین حرفی را بخواهیم بزنیم!